

نقدی بر کتاب «شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام»

جهانبخش ثواقب*

چکیده

تألیف کتاب‌های درسی و کمک‌درسی که برخوردار از استانداردهای لازم علمی، پژوهشی و آموزشی باشند، برای دروس رشته‌های دانشگاهی امری ضروری است. در سال‌های اخیر چندین سازمان و نهاد در این زمینه فعالیت چشمگیر دارند نظیر؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دانشگاه پیام نور و از این قبیل، که جای تقدیر دارند. از همین طریق در رشته تاریخ نیز کتاب‌های متعددی از سوی پژوهش‌گران و استادان تاریخ دانشگاه‌های کشور تألیف و انتشار یافته که برخی از آنها کاربرد آموزشی یافته و مورد استفاده دانشجویان قرار گرفته است. هرچند تألیف این آثار اقدام ارزشمندی است؛ اما نقد و بررسی این متون می‌تواند هم به غنای علمی و آموزشی آنها بیفزاید و هم الگوی مناسبی را در اختیار نویسندگان آثار بعدی قرار دهد که هرچه بیشتر بر امتیازات اثر خویش بیفزایند و از دامنه کاستی‌های آن بکاهند. یکی از این نمونه کتاب‌ها که به تازگی تألیف و انتشار یافته، کتاب *شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام*، ویژه رشته تاریخ است که در این مقاله مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. یافته این بررسی آن است که به‌رغم پاره‌ای کاستی‌های شکلی و محتوایی، این کتاب در موضوع خود به عنوان کتاب درسی مناسب است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ ایران بعد از اسلام، منابع، مآخذ، شناخت و نقد منبع، کتاب

درسی

*استاد، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان. jahan_savagheb@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱

۱. مقدمه

یکی از حوزه‌هایی که اندیشمندان مسلمان و ایرانی در آن به تحقیق و بررسی و نگارش پرداخته‌اند، دانش تاریخ است که گزارش رویدادهای گذشته و زندگی اجتماعی آدمیان و وظیفه انتقال آن را به نسل‌های پسینی بر عهده دارد. تاریخ از این طریق با پیوند بین گذشته، حال و آینده، تداوم زندگی بشری و سرنوشت جمعی انسان‌ها در بستر زمان را نشان می‌دهد. در میراث گذشته ایرانی - اسلامی بسیاری از بزرگان در کسوت مورخ تلاش کرده‌اند تا از راه مشاهده، شنیده‌ها، جست‌وجو در منابع و اسناد بایگانی‌های اداری و بررسی‌های میدانی، اخبار جوامع انسانی را در قالب اشکال تاریخ‌نگاری از قبیل تاریخ عمومی، تاریخ سلسله‌ای، تاریخ محلی، تک‌نگاری پادشاهان، تذکره و تراجم و غیره، ثبت و ضبط نموده و به یادگار بگذارند. همین تلاش مورخان موجب پدید آمدن انبوهی از متون تاریخی در دوره‌های مختلف تاریخ ایران بعد از اسلام شده که جدا از بررسی محتوا، انگیزه و اهداف، بینش و نگرش این مورخان در تاریخ‌نگاری و دیگر موضوعات، شناخت و معرفی این متون که امروزه به عنوان منابع در پژوهش‌های تاریخی از آنان یاد می‌شود، فهرست پرشماری را شکل می‌دهد. اهمیت نقش منبع در پژوهش تاریخی و مبتنی بودن این نوع پژوهش بر پشتوانه استنادی، ضرورت شناخت و معرفی منابع تاریخی را موجب شده است. وجود رشته تاریخ در برنامه تحصیلی مراکز علمی و آموزشی و ضرورت آموزش این دانش به فراگیران نیز ضرورت تدوین متون درسی و از جمله تدوین متونی درباره منابع و مآخذ دوره‌های تاریخی و یا سلسله‌های حکومتی را بیشتر کرده است.

از این‌رو، تا کنون نوشته‌های متعددی از سوی پژوهش‌گران درباره منابع تاریخی ایران در دوره باستان و پس از اسلام به نگارش درآمده که هر کدام در جای خود ارزشمندند. برشمردن برخی از این نوشته‌ها، پیشینه این بحث را بازتاب می‌دهد. صفا (۱۳۵۲ - ۱۳۵۱) در تاریخ ادبیات خود در هر سده فهرستی از منابع گوناگون آن به دست داده است. اشپولر و دیگران (۱۳۶۰) تاریخ‌نگاری در ایران را در قالب مقالاتی درباره هر سلسله از سده‌های نخستین اسلامی تا قاجاریه بررسی کرده و در این مقالات به نوشته‌های تاریخی مهم هر دوره پرداخته‌اند. تدوین‌کننده و مترجم این اثر (دکتر یعقوب آژند، در چاپ دوم، ۱۳۸۸) با نگارش مقالاتی در برخی از دوره‌ها نظیر صفویه، تاریخ‌های محلی و ...، کمبودهای این اثر را تکمیل کرده است. زرین‌کوب (۱۳۶۳) منابع تاریخ ایران را در گونه‌های مختلف آن مانند تاریخ عمومی، سلسله‌ای، محلی، وزارت -

نامه‌ها، جغرافیای تاریخی، تذکره‌ها، سفرنامه‌ها، منشآت، نوشته‌های صوفیانه و ... دسته - بندی و معرفی کرده است. میراحمدی (۱۳۶۸) در بررسی نظام حکومت در ایران از صدر اسلام تا مغول در هر دوره به منابع تاریخی آن نیز اشاره کرده و همین شیوه را ورهرام (۱۳۶۸) نیز در بررسی نظام حکومت در ایران از عصر مغول تا پایان قاجاریه به کار بسته است. بیات (۱۳۷۰، ۱۳۷۴) منابع و مآخذ تاریخ ایران را از دوره باستان تا دوره قاجار شناسایی و معرفی نموده است. ورهرام (۱۳۷۱) در اثری دیگر، منابع تاریخ ایران در دوران اسلامی را به ترتیب سلسله‌های حکومتگر همراه با شرح اجمالی هر اثر و ذکر برخی از پژوهش‌های نوین در باره هر دوره، تألیف نموده است. شکوری (۱۳۷۱) جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری‌ها در ایران معاصر و فصیحی (۱۳۷۲) جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی را بررسی کرده‌اند. ثواقب (۱۳۸۰ و ۱۳۸۷) منابع و مآخذ تاریخ عصر صفویه را در تنوع تاریخ‌نگاری آن به صورت مشروح دسته‌بندی و شرح داده است. کویین (۱۳۸۷) بر تاریخ‌نویسی عصر شاه عباس اول صفوی متمرکز شده و آرام (۱۳۸۶) سبک تاریخ‌نگاری این دوره را بررسی کرده و در ضمن آن به منابع تاریخی صفویه پرداخته است. ناجی و دیگران (۱۳۸۹) در کتاب تاریخ و تاریخ‌نگاری که در اصل فراهم آمده مدخل‌های دایره‌المعارف اسلامی است، منابع تاریخی را در گونه‌های مختلف تاریخ‌نگاری در سده‌های متوالی معرفی کرده‌اند. نوشته میثمی (۱۳۹۱) درباره تاریخ‌نگاری فارسی، در شناخت، معرفی و نقد برخی منابع تاریخی و بینش و روش تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری پاره‌ای از مورخان ایرانی مفید است. زینلی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه دکتری خود تاریخ‌نگاری محلی ایران را از سقوط بغداد تا پایان صفویه نقد و بررسی نموده است. ترکمنی‌آذر (۱۳۹۲) نیز در تاریخ‌نگاری در ایران از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری مورخان ایرانی این محدوده زمانی را بررسی و به نکات مفیدی دست یافته است. قنوات (۱۳۹۳)، تاریخ - نگاری محلی ایران در دوره اسلامی تا سده هفتم هجری را بررسی و بسیاری از این منابع را چه گمشده و چه موجود معرفی کرده است. این پژوهش در اصل پایان‌نامه دکتری وی بوده که به سال ۱۳۸۷ از آن دفاع نموده است. صدقی (۱۳۹۳) نیز تاریخ - نگاری در ایران عصر سلجوقی را تدوین کرده و قدیمی قیداری (۱۳۹۳) به تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار، پرداخته است. رضوی (۱۳۹۴) هم جایگاه تاریخ‌نگارانه یعقوبی، مقدسی، گردیزی و ابن فندق را در اثر خود با نام درآمدی بر تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی، بررسی کرده است.

در بررسی تاریخ‌نگاری در اسلام، گیب و دیگران (۱۳۶۱) در مقالات خود، به این مقوله پرداخته و بسیاری از منابعی را که مطرح کرده‌اند در زمره منابع تاریخ ایران در برخی سده‌ها نیز جای می‌گیرد. نیز جعفریان (۱۳۶۷) منابع تاریخ اسلام را در قالب‌های تاریخ‌نگاری اسلامی دسته‌بندی و معرفی کرده که در پیوند با منابع تاریخ ایران نیز می‌باشد. روزنتال (۱۳۶۸) در اثر ارزشمند تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، بسیاری از منابع مختلف تاریخی را در اشکال متنوع آن به‌ویژه آثار گمشده را نام برده است. کاهن (۱۳۷۰) در بررسی تاریخ اسلام در قرون وسطی به منابع مختلفی در حوزه تاریخ‌نگاری اسلامی پرداخته است. سجادی و عالم‌زاده (۱۳۷۵) مکاتب تاریخ‌نگاری، شیوه‌های تدوین تاریخ‌نگاری، انواع تاریخ‌نگاری اسلامی و سیر تاریخ‌نگاری در سرزمین‌های اسلامی را در کتاب تاریخ‌نگاری در اسلام تدوین کرده‌اند. به همین شیوه، آینه‌وند (۱۳۷۷) در بررسی علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، با رویکرد تاریخ اسلام، منابع بسیاری را برشمرده است. جمعی از مؤلفان زیر نظر رسول جعفریان (۱۳۷۸) منابع سیره نبوی را نقد و بررسی کرده‌اند. حضرتی (۱۳۸۲) نیز با کمک برخی از پژوهش‌گران مجموعه‌ای را در دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی فراهم آورده است. نوشته‌های خضر (۱۳۸۹) و چیس‌اف (۱۳۸۹)، نیز در باره تاریخ‌نگاری اسلامی سودمندند. پژوهش مصطفی شاکر (۱۹۸۳) هم به شناخت بسیاری از مورخان اسلامی و دگرگونی علم تاریخ در میان مسلمین کمک می‌نماید.

در شناخت و معرفی منابع ایران باستان، میراحمدی (۱۳۶۹) کتابشناسی تاریخ ایران در این دوران را فراهم نموده است. تفضلی (۱۳۷۶) به منابع تاریخ ایران باستان در قالب تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام پرداخته، چنانکه موسوی (۱۳۸۰) نیز به شناسایی و نقد منابع همین دوره پرداخته است. جعفری دهقی (۱۳۸۲) هم؛ منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان از ورود آریایی‌ها تا سقوط امپراتوری ساسانی را بازشناسی نموده است.

درباره منابع تاریخی، مقالات بسیاری نیز در مجلات تاریخی نگارش یافته که نام بردن از همه به درازا می‌انجامد. در این میان، ویدنگرن (۱۳۸۱) به منابع تاریخ پارتی و ساسانی پرداخته است. باسورث (۱۳۸۱)، با بررسی سهم ایرانیان در تاریخ‌نگاری دوره اسلامی پیش از حمله مغول، به منابع این دوره پرداخته است. خسروبیگی (۱۳۸۷)، منابع و مآخذ دوره خوارزمشاهی را مورد شناخت و ارزیابی توصیفی قرار داده است. قدیمی قیداری (۱۳۸۸) پژوهشی در تاریخ محلی کردستان داشته و صالحی (۱۳۸۰) از

تاریخ‌های محلی، یک کتابشناسی توصیفی ارائه کرده است. به همین نحو، رجایی (۱۳۹۰) تاریخ‌نگاری محلی عصر قاجار، و ثواقب (۱۳۹۲) تاریخ‌نویسی محلی عصر صفویه را مطرح کرده‌اند. ثواقب (۱۳۹۲) همچنین سنت تاریخ‌نویسی در ایران باستان را بررسی و همو (۱۳۹۳) سنت تاریخ‌نویسی محلی ایرانی را نیز بررسی و تعداد زیادی از این نوع منابع را فهرست کرده است. وی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای دیگر، به ادبیات تراجم-نگاری در متون تاریخی عصر صفویه پرداخته و منابع متعددی از این نوع را معرفی کرده است.

در مقاله حاضر، به روش بررسی درون‌متنی (تحلیل محتوا) و با در نظر داشتن نمونه‌هایی که پیشتر درباره موضوع منابع تاریخی تألیف یافته‌اند (مقایسه‌ای)، کتاب شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام که به همت دکتر مقصودعلی صادقی استاد محترم تاریخ دانشگاه تبریز تألیف و از سوی دانشگاه پیام نور به عنوان کتاب درسی برای درسی به همین نام در رشته تاریخ، انتشار یافته، بررسی شده است.

۲. معرفی کلی اثر

شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام (ویژه رشته تاریخ)

پدیدآورنده: دکتر مقصودعلی صادقی

ویراستار علمی: دکتر یزدان فرخی

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه پیام نور

نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول، شهریور ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قطع کتاب: وزیری

تعداد صفحات: ۱۹۸ + ۱۲ ص مقدمات.

قیمت: ۵۳۰۰۰ ریال

محتوای شکلی اثر: دارای جلد و طراحی با نشان دانشگاه پیام نور، صفحه عنوان، صفحه شناسنامه، صفحه پیش‌گفتار ناشر، فهرست مطالب، پیش‌گفتار نویسنده در پنج صفحه (ص هفت - یازده)، فصول کتاب (۱۲ فصل، ص ۱۷۷-۱) و کتابنامه (ص ۱۹۸-۱۷۹) است، اما مقدمه‌ای ندارد و به همان پیش‌گفتار بسنده شده است.

محتوای پیش‌گفتار: درباره جایگاه منبع در پژوهش تاریخی، منابع نوشتاری تاریخ ایران پس از اسلام و بیان هدف نگارش کتاب حاضر است. نویسنده به هدف تدوین کتابی

برای درس دو واحدی «شناخت و نقد منابع تاریخ ایران بعد از اسلام» به منظور استفاده دانشجویان رشته تاریخ، این اثر را به تفکیک دوره‌های تاریخی از سده‌های نخستین اسلامی تا دوره قاجاریه فراهم آورده است. وی با ذکر بخش «در باب مآخذ» کتاب *تاریخ ایران بعد از اسلام* دکتر عبدالحسین زرین کوب به عنوان نمونه‌ای از ارائه گونه‌های منابع تاریخی، و کتاب *شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران* تألیف دکتر عزیزالله بیات از نوع معرفی منابع بر پایه ترتیب الفبایی، اثر خویش را «معرفی و بررسی کوتاه مهم‌ترین منابع تاریخی ایران بعد از اسلام به تفکیک دوره‌های تاریخی» عنوان کرده است. (صادقی، ۱۳۹۳: نه) به گمان نویسنده تا کنون کتاب جداگانه‌ای به زبان فارسی در این باره براساس تقسیم‌بندی دوره‌ای نوشته نشده و چارچوبه‌ای که در این کتاب برای ارائه منابع در نظر گرفته، دوران فرمانروایی خاندان‌های اصلی در تاریخ ایران پس از اسلام بوده است. (همان: هشت) نویسنده مدعی است که تلاشش بر این بوده است تا مهم‌ترین منابع تاریخ هر دوره تاریخی را با دسته‌بندی منابع و ارائه مهم‌ترین گونه‌ها و نمونه‌ها به خواننده بشناساند. (همان: نه) وی در هر دوره در حدی توان به معرفی تاریخ‌های سلسله‌ای، تاریخ‌های عمومی، تاریخ‌های محلی، تاریخ‌های وزارت، و دیگر آثار مانند کتب مسالک و ممالک، سفرنامه‌ها، تذکره‌ها در موضوع‌های گوناگون دینی، ادبی، عرفانی، و غیره، پرداخته است.

محتوای اجمالی فصول کتاب: این کتاب در دوازده فصل فراهم آمده است. در آغاز هر فصل، اهداف یادگیری آن در چند محور فهرست شده که غالباً شامل محورهای مشابه است، مانند: بررسی تاریخ‌های عمومی، شناخت تاریخ‌های سلسله‌ای، آشنایی با تاریخ‌های محلی، شناخت منابع جغرافیایی، آشنایی با سفرنامه‌ها، منشآت، کتاب‌های وزارت، و معرفی عناوین برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های جدید درباره تاریخ ایران در هر کدام از دوره‌های یاد شده. پس از بیان این اهداف، در هر فصل بدون عنوان‌گذاری فرعی، به ترتیب اهمیت به معرفی این منابع می‌پردازد. در فصل نخست، معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در سده‌های نخستین اسلامی و دوران سلسله‌های طاهری و صفاری، آمده است. فصل دوم، معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره صفاری، سامانی، فصل سوم، معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره آل‌بویه، فصل چهارم، معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ دوره غزنوی، فصل پنجم، معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره سلجوقی، فصل ششم، معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ دوره خوارزمشاهیان و غوریان، فصل هفتم، معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در

دوره مغول و ایلخانی، فصل هشتم، معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، فصل نهم، معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران روزگار صفوی، فصل دهم، معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره افشاریه، فصل یازدهم، معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره زندیه، فصل دوازدهم، معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره قاجار.

در پایان هر فصل تعدادی سؤال طرح شده است که برای فصل اول، پنجم، نهم و دوازدهم هر کدام ۷ سؤال، فصول دوم و سوم هر کدام ۴ سؤال، فصول چهارم، ششم، هفتم، هشتم، دهم و یازدهم هر کدام ۵ سؤال آمده است. شیوه ارجاع‌دهی به صورت زیر صفحه با تکرار شماره‌های ارجاع در هر صفحه با قلم ریز تنظیم شده است. متن هر صفحه با رسم یک خط مشکی کامل در انتها از متن ارجاعات از هم جدا گشته‌اند. در هر فصل عنوان اصلی کتاب در سرصفحه‌های زوج و عنوان فصل در سرصفحه‌های فرد آمده است. کتابنامه پایانی آن شامل فهرست منابع و مآخذ، نسخه‌های خطی، منابع به زبان‌های اروپایی، و مقالات است.

۳. تحلیل ابعاد شکلی اثر

۳-۱. امتیازات

کتاب دارای زمینه مناسب طرح جلد، حروف‌نگاری متناسب، صفحه‌آرایی و صحافی خوب و قطعی مناسب است و با کیفیتی قابل قبول چاپ شده است. در مجموع صفحات کتاب، اغلاط چاپی آن کم است هرچند بدون اغلاط هم نیست. قواعد عمومی نگارش و ویرایش در متن نسبتاً رعایت شده اما بدون نقص هم نیست. روانی و رسایی متن خوب است و به آسانی برای جامعه هدف قابل فهم است.

۳-۲. کاستی‌ها

- عکس روی جلد و آخر جلد تناسبی با عنوان کتاب ندارد. عکس حاوی صحنه‌هایی از راهپیمایی‌های مردمی و حوادث انقلاب و نمایی از برج آزادی است. بهتر بود عکس یا طرحی برگزیده می‌شد که به کتاب و نسخه‌های قدیمی و چهره‌هایی از مورخان مربوط می‌شد.

- این کتاب، جدول، نمودار، نقشه و تصویر ندارد و از این رو، فهرستی هم برای این موارد وجود ندارد. چون فصول کتاب عناوین فرعی ندارند، فهرست مطالب که دربرگیرنده همان عناوین فصول است در یک صفحه آمده و فهرست تفصیلی ندارد. کتاب فاقد هر نوع نمایه است.

- در ذکر گاه‌شماری، گاه از واژه «سده» و گاه «قرن» استفاده شده که بهتر بود یک دست می‌شد و البته براساس پارسی‌نویسی اگر همه جا «سده» به کار می‌رفت شایسته‌تر بود.

- تاریخ‌ها با اینکه عددی است و می‌بایست با علامت اختصاری «ه»، «ق»، «ش» بیاید، غالباً با حروف آمده و یک دست نیست. گاه با هجری، گاه هجری قمری و گاه به صورت «ه» آمده است.

- در برخی موارد در متن کتاب، نقطه پایان فعل در آخر جمله نیامده است. نمونه ص ۶۲ سطر ۲۰ آخر (آورد)، ص ۱۱۳ سطر ۱۳ بعد از «نماید»، ص ۹۲ سطر ۱۸ بعد از «نمی‌باشد».

- اسامی کتاب‌های فارسی و اروپایی در کتابنامه هیچ‌کدام، ایرانیک و ایتالیک نشده و با بقیه مشخصات کتاب‌شناختی تمایزی ندارند.

- گاه یک اثر به چند شکل نوشته شده و یا یک واژه به چند صورت آمده است نظیر: شرفنامه، شرف نامه، شرف‌نامه (ص ۱۲۱، سطر ۹، ۱۵، ۲۲)، دربردارنده (ص ۱۳۳)، در بر دارنده، دربر دارنده، در بردارنده، در بر می‌گیرد (ص ۱۲۰)، در بر گیرنده (ص ۱۳۳).

- با اینکه اسامی کتاب‌ها و نویسندگان آن حداقل بار اول در متن تیره شده، اما برخی جاها رعایت نشده است. نمونه ص ۳۴ تاریخ طبرستان بهاء‌الدین محمدبن حسن معروف به ابن اسفندیار، ص ۳۵ فارسنامه ابن بلخی، ص ۸۳ تاریخنامه هرات سیف بن محمد ...، ص ۵۱ ذیل مختصر ناصح بن ظفر جرفادقانی، ص ۳۹ سطر ۱۸ کلمه تاریخ در عنوان تاریخ مختصر الدول، ص ۵۱ سطر ۳ ذیل مختصر ناصح بن ظفر جرفادقانی، ص ۹۳ سطر ۱۳ فضل‌الله، ص ۱۰۱ سطر ۱۸ مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین جمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، ص ۱۴۹ سطر ۱۰ تاریخ قاجار، ص ۱۶۰ سطر ۱۹ تبریز در عنوان دارالسلطنه تبریز، ص ۱۶۸ سطر ۶ انقلاب ایران.

- با اینکه تواریخ و فیات افراد و حکومت پادشاهان، از راست به چپ نوشته شده اما موارد نادری گاه از چپ به راست آمده است، نظیر؛ ص ۵۹ سطر ۵ رشیدالدین وطواط (۵۷۸-۵۷۳).

- در ص ۵۸ و ۵۹، مشخصات کتابشناختی دیوان‌های دوره سلجوقی ذکر نشده است: دیوان امیر معزی، انوری، عبدالواسع جبلی، رشیدالدین وطواط.
- برخی جمله‌بندی‌ها طولانی است. نمونه؛ ص ۱۴ سطر ۵ تا سطر ۱۲ به یک فعل ختم شده و سطر ۱۴ تا ۱۹ یک جمله است. به همین نحو غالب جملات ۳، ۴ و ۵ سطری هستند.
- بسیاری جاها از فعل (می‌باشد) استفاده شده که بهتر بود از فعل (است) استفاده می‌شد.
- ص ۱۸ سطر ۷ چون عبارت عربی است نوشته شده: صورت الارض که صحیح آن «صوره الارض» است.
- غالب اسامی خاص افراد و کتاب‌ها که دو جزئی هستند و کلمات دو جزئی از هم جدا نوشته شده و در متن و ارجاعات فاصله‌گیری نشده که درست نیست و چون این قاعده در برخی صفحات رعایت شده، یکسانی صورت نگرفته است. برای نمونه؛ زرین‌کوب (ص ۶ و ۸) به دو شکل آمده، محمدرضا (ص ۷ و ۱۰۸)، و عزیزالله، مقصودعلی، محمدعلی، محمدتقی، محمدباقر، قره‌چانلو، محمدابراهیم، علی‌اکبر و ... کتاب‌ها نظیر: تجارب‌الامم، مجمل‌التواریخ، آثارالبلاد، معجم‌البلدان، آثارالوزراء، دستورالوزراء، اشکال‌العالم، زین‌الخبار و ...
- در ص ۱۳۵ پاراگراف آخر، هیچ کدام از پژوهش‌های جدید و نویسندگان آنها تیره نشده‌اند.
- برخی از منابعی که در ارجاعات کتاب آمده در کتابنامه نیامده است، مانند: کارلاسرنا (ص ۱۶۷)، جان ویشارد (ص ۱۶۷)، ادوارد گرانویل براون (ص ۱۶۸ سه اثر)، ساموئل گرین ویلر بنجامین (ص ۱۶۷)، ار. ر. دوراند (ص ۱۶۷)، ابراهام ویلیامز جکسن (ص ۱۶۷)، ژان ژاک دومورگان (ص ۱۶۸)، آرنولد تالبوت ویلسن (ص ۱۶۸)، جرج ناتانیل کرزن (ص ۱۶۸)، ه. ل. رابینو (ص ۱۶۸)، هانری رنه د آلمانی (ص ۱۶۷)، اوژن اوبین (ص ۱۶۷)، هنریش بروگش (ص ۱۶۶) و ...
- اعراب‌گذاری اسامی و امکانه خاص و کتاب‌ها صورت نگرفته است.
- عبارات انشایی درباره وصف برخی منابع به کار رفته است. نمونه درباره سفرنامه شاردن، سطر ۱۶ «سفرنامه او مفصل‌ترین...»، سطر ۱۸ «توصیفات مفصل و ارزشمند...»، سطر ۱۹ «توصیف بی نظیر او»، سطر ۲۳ «توصیفی دل‌انگیز و مفصل».

- در برخی ارجاعات، کامای بین کلمات نیامده است. نمونه: ص ۲ ش ۵، ص ۶ ش ۳ و ص ۲۶ ش ۲ بعد از تهران، ص ۸۲ ارجاع ۱ بعد از قاهره. در متن نیز ص ۹۰ سطر ۴ کامای بین همدانی و عظاملک نیامده است.

- برخی جاها به ویژه در ارجاعات، کاما از کلمه پیش از خود فاصله دارد. نیز آخر برخی ارجاعات نقطه پایان نیامده است. نمونه؛ ص ۱۳ ش ۲.

- در برخی ارجاعات، کلمه بعد به نقطه یا کامای پیش از خود چسبیده است. نمونه ص ۲۵ ارجاع ۳ ر.ک.ابن، ص ۳۳ ارجاع ۳، ص ۸۲ ارجاع ۵، ص ۸۶ ارجاع ۴، ص ۱۰۷ ش ۴ دو مورد، ص ۱۱۰ ش ۲، ص ۱۱۹ ش ۱. همین اشکال گاه در متن نیز وجود دارد که کلمه بعد به نقطه آخر فعل چسبیده است. نمونه: ص ۲۸ آخر سطر ۱۶، ص ۸۶ سطر ۱۹، ص ۱۱۴ ش ۱ بعد از نگاه.

- در ارجاعات، کلمه «ابن» برخی جاها به کلمه بعد چسبیده و برخی جاها جدا آمده و برخی جاها به کلمه قبل چسبیده و یک دست نیست. برای نمونه، ص ۲ ش ۳ و ۴ برای جدانویسی، ص ۳ ش ۲ برای متصل به کلمه پیش، ص ۱۴ ش ۲ و ص ۲۷ ش ۲ برای متصل به کلمه بعد، و از این قبیل در سایر صفحات تکرار شده است.

- در ارجاعات حروف اختصاری «ر.ک» برای «رجوع کنید»، یکسان نیامده و به شکل‌های مختلف آمده است. «ر.ک.» در غالب صفحات، «رک» (ص ۸ ش ۳، ص ۱۵ ش ۵، ص ۶۲ ش ۱ و ۲، ص ۷۵ ش ۱، ص ۷۶ ش ۲ و ۳، ص ۷۷ ش ۱، ص ۸۸ ش ۱، ص ۱۲۵ ش ۸)، «ر.ک» (ص ۳۲ ش ۳، ص ۹۶ ش ۱، ص ۹۷ ش ۳، ص ۹۸ ش ۱، ص ۱۰۰ ش ۱)، «ر.ک» (ص ۳۳ ش ۲، ص ۳۸ ش ۳، ص ۴۸ ش ۳، ص ۷۰ ش ۱ و ۴)، «ر.ک» (ص ۸۸ ش ۲)، «ن.ک» (ص ۱۳۲ ش ۳)، «ن.ک.» (ص ۷۰ ش ۲ و ۳)، «ن.ک.» (ص ۶۹ ش ۲)، «نــک» (ص ۱۴۲ ش ۳).

- برخی کلمه‌ها در ارجاعات به کلمه قبل و یا بعد از خود چسبیده است. فاصله‌گذاری رعایت نشده است. ص ۲ ش ۶، اور.ک (او، ر.ک. درست است)، ص ۶ ارجاع ۱ بعد از اسلام، ص ۷ ارجاع ۳ نشرآگاه، ص ۱۴ ارجاع ۲ نشرنی، ص ۱۰ ارجاع ۱ نشرالبرز، ص ۱۰ ارجاع ۲ (ابوسعیدعبدالحی ۲ بار، محمودگردیزی ۲ بار)، ص ۱۲ ارجاع ۱ اسامی، ص ۱۴ ارجاع ۲ و...

- حرف «واو» عطف، برخی جاها به کلمه بعد چسبیده است. نظیر ص ۷ ارجاع شماره ۲، ص ۹ ارجاع شماره ۱ و ابوالقاسم.

- برخی صفحات گاه ارجاع با مشخصات کامل تکرار شده، حتی در ص ۷۶ و ۷۷ (مقاله بویل) و ۱۳۰ و ۱۳۱ (جهانگشای نادری) از یک اثر پشت سر هم دو بار ارجاع کامل آمده است. برخی کتاب‌ها که در یک دوره مشخصات کامل آنها آمده در دوره بعد نیز کامل آمده که نیازی نبود.

- برخی موارد «واو» عطف در میان دو کتاب از یک نویسنده تیره شده که برای خواننده این شبهه را ایجاد می‌کند که عنوان یک کتاب است. این موارد می‌بایست معمولی شوند.

- نام خانوادگی نوایی (در ص ۸۸، ۱۲۴، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۴) در صفحات دیگر به صورت نوائی (ص ۵۳، ۸۷، ۹۵، ۱۰۰ = دوبار) آمده و در ص ۷۹ (نوائی) آمده که می‌بایست یکسان شوند به صورت «نوائی».

- برای ارجاع کتاب‌های مجهول‌المؤلف، یکسانی رعایت نشده است. گاه «نویسنده، نویسنده‌ای گمنام» آمده (ص ۱۰، ۱۱، ۳۴، ۳۹)، گاه «نویسنده، نویسنده‌ای ناشناخته» (ص ۱۳ ارجاع ۲، ۱۸، ۱۹، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۴۰)، گاه «مجهول‌المؤلف» (ص ۳۵، ۴۰، ۵۴) برای تاریخ سیستان، ۵۱ برای مجمل‌التواریخ، ۵۵ برای حدود‌العالم) و «نویسنده ناشناس» (ص ۱۳ برای تاریخ سیستان).

- «هائ» آخر کلمه گاه چسبیده و گاه جدا آمده است. برای نمونه در ص ۱۱۱ گزارش‌های (سطر ۵) و گزارش‌هایی (سطر ۱۸) و گزارش‌هایی (سطر ۱۷).

- در ص ۹۳ سطر ۱۷ عدد ارجاع شماره ۵ تیره شده و نیز عبارت «آگاهی‌های سودمندی در اختیار» نیز تیره شده که باید معمولی شوند. در همین صفحه سطر ۲۰ حرف «واو» بین لمب و الغ معمولی شود و کلمه «از» پیش از بارتولد ایتالیک شده، اصلاح شود.

- در سراسر کتاب برای مشخص شدن همزه کلمات، نه از همزه و نه از حرف «ی» در آخر کلمه استفاده نشده است. هر چند در ص ۱۱ ارجاع ۱ در آخر نویسنده (نویسنده‌ی) و ص ۲۶ سطر ۱۹ همین کلمه، و ص ۲۶ سطر ۱۰ «درباره‌ی»، ص ۲۸ سطر ۴ «زمانه‌ی» و «زمینه‌ی»، حرف «ی» آمده است که در این کتاب غیرمعمول است. در ص ۸۳ سطر ۱۳ تاریخنامه هرات، ص ۱۲۱ سطر ۱۹ شرف‌نامه، ص ۱۳۳ سطر ۲۳ دربرگیرنده، با همزه آمده است.

- ص ۲۸ سطر ۱۳ پس از کتاب حدود‌العالم، حرف «از» نباید تیره باشد. در این موارد نیز، حرف «واو» میان کلمات نباید تیره باشد، بلکه معمولی شوند: ص ۳۹ سطر ۱۷ بین

همدانی و المنتظم، ص ۲۷ سطر ۲۱ بین الالباب و جوامع، ص ۶۲ سطر ۲ میان اثیر و تاریخ، ص ۶۳ سطر ۲ میان نیشابوری و راحه، ص ۶۹ سطر ۶ میان قزوینی و نزهه، ص ۷۵ سطر ۱۳ بین ناصری و الکامل، ص ۹۲ سطر ۱۳ بین مازندران و تاریخ، ص ۹۳ سطر ۲۰ بین لمب و الغ، ص ۱۱۲ سطر ۱۷ بین ادواردز و لارنس، ص ۱۱۳ سطر ۱۸ بین آنتونی و رابرت، ص ۱۲۷ سطر ۱۳ بین صفویه و نظام، ص ۱۳۰ سطر ۶ بین واردات و تاریخ، ص ۱۵۰ سطر ۱۶ بین سامانی و روضه، ص ۱۵۰ سطر ۱۹ بین تبریزی و عبدالکریم، ص ۱۵۶ سطر ۱۱ بین فسایی و آثار، ص ۱۶۴ سطر ۲ بین دارن و ملگونوف، ص ۱۷۶ سطر ۹ بین ناطق و ایدئولوژی.

- در ص ۱۷۱ ارجاع شماره ۲، ص ۱۷۲ ارجاع شماره ۶ و ۹، ص ۱۷۳ ارجاع ش ۳ و ۶ (۲ مورد) و ص ۱۷۵ ش ۲، نام ناشر نیامده است.

- در ارجاعات کتاب به ذکر کلمه انتشارات، القاب دکتر، سید و غیره، چاپ اول برای نوبت چاپ، نیازی نیست و در ارجاعات، این موارد برخی جاها ذکر شده و برخی جاها ذکر نشده که ارجاعات را از یک‌دستی خارج کرده است. در موارد زیر برای یک-دست شدن می‌تواند حذف شوند:

دکتر، صفحات: ۲ ش ۳، ۶ ش ۱، ۸ ش ۳ و ۲، ۱۵ ش ۳، ۳۸ ش ۲ (دو بار)، ۵۰ ش ۱، ۶۲ ش ۱، ۶۸ ش ۱، ۷۹ ش ۲، ۸۸ ش ۱، ۹۰ ش ۳، ۹۶ ش ۱ (دو بار)، ۹۹ ش ۱ و ۲، ۱۰۰ ش ۱ و ۲، ۱۰۲ ش ۱ و ۲، ۱۰۳ ش ۱، ۱۰۴ ش ۱، ۱۰۵ ش ۳، ۱۰۸ ش ۱ و ۳، ۱۰۹ ش ۳ و ۲، ۱۱۳ ش ۱، ۱۱۶ ش ۲، ۱۱۹ ش ۴، ۱۲۲ ش ۴، ۱۲۳ ش ۴، ۱۳۱ ش ۳، ۱۳۲ ش ۴، ۱۴۱ ش ۲، ۱۴۸ ش ۴، ۱۵۲ ش ۲، ۱۵۳ ش ۱، ۱۵۷ ش ۳ و ۲، ۱۵۸ ش ۱ و ۲، ۱۶۳ ش ۳.

چاپ اول، صفحات: ۵ ش ۱، ۱۵ ش ۵، ۳۲ ش ۱، ۳۸ ش ۲، ۴۷ ش ۳، ۷۶ ش ۳، ۷۶ ش ۳، ۹۹ ش ۱ و ۲، ۱۰۰ ش ۱ و ۲، ۱۰۱ ش ۴، ۱۰۲ ش ۱ و ۲، ۱۰۳ ش ۳ و ۴، ۱۰۴ ش ۱، ۱۰۵ ش ۱ و ۳، ۱۰۶ ش ۱ و ۲، ۱۰۷ ش ۱، ۱۰۸ ش ۳، ۱۰۹ ش ۳، ۱۱۰ ش ۲، ۱۱۹ ش ۱ و ۲، ۱۲۰ ش ۱، ۱۲۰ ش ۲، ۱۳۱ ش ۳، ۱۴۰ ش ۴، ۱۴۲ ش ۱، ۱۶۸ ش ۶.

انتشارات، نشر، صفحات: ۲ ش ۵، ۴ ش ۲، ۷ ش ۳، ۸ ش ۳، ۹ ش ۱، ۱۰ ش ۱ (۲ بار)، ۱۳ ش ۱، ۱۵ ش ۵، ۱۸ ش ۱، ۲۷ ش ۴ و ۵، ۳۶ ش ۱ و ۲، ۳۸ ش ۲ (دو بار)، ۴۱ ش ۳، ۴۲ ش ۱، ۴۶ ش ۱، ۵۲ ش ۲، ۵۸ ش ۱، ۶۲ ش ۱ و ۲، ۶۳ ش ۲، ۶۸ ش ۱، ۷۰ ش ۱، ۷۶ ش ۱ و ۳، ۷۸ ش ۱، ۸۱ ش ۵، ۸۲ ش ۵، ۸۶ ش ۴، ۸۷ ش ۲، ۸۹ ش ۳، ۹۲ ش ۴، ۹۷ ش ۳، ۹۹ ش ۲، ۱۰۰ ش ۱، ۱۰۲ ش ۱، ۱۰۷ ش ۳، ۱۱۱ ش ۱، ۱۱۳ ش ۱ (۲ بار) و ش ۳، ۱۱۴ ش ۲، ۱۱۵ ش ۱، ۱۱۷ ش ۱، ۱۱۸ ش ۴، ۱۱۹ ش ۲، ۱۲۰ ش ۱، ۱۲۱ ش ۲، ۱۲۳ ش ۲

ش ۴، ۱۳۰ ش ۲، ۱۳۱ ش ۳، ۱۳۳ ش ۳، ۱۳۴ ش ۴، ۱۳۵ ش ۴، ۱۳۸ ش ۱، ۱۴۸ ش ۱، ۱۴۹ ش ۳، ۱۵۱ ش ۳، ۱۵۳ ش ۲، ۱۵۴ ش ۱، ۱۶۲ ش ۴، ۱۶۳ ش ۱، ۱۶۵ ش ۵، ۱۶۶ ش ۵، ۱۶۸ ش ۶، ۱۶۹ ش ۸، ۱۷۴ ش ۶، ۱۷۵ ش ۵. سیّد، صفحات: ۱۰۵ ارجاع ش ۳، ۱۱۹ ارجاع ش ۴، ۱۳۱ ارجاع ش ۲، ۱۷۹ سطر ۲، ۱۸۰ سطر ۲۳، ۱۸۴ سطر ۲۰، ۱۸۷ سطر ۲۴، ۱۸۸ سطر ۲۱، ۱۹۵ سطر ۱۳. این موارد در کتابنامه هم وجود دارند که نیازمند اصلاح است.

۴. تحلیل ابعاد محتوایی اثر

۴-۱. امتیازات

نظم منطقی و انسجام مطالب براساس دوره‌بندی تاریخی مورد نظر نویسنده در پیش-گفتار، از آغاز تا پایان کتاب حفظ شده است. این نظم و انسجام در هر فصل نیز به خوبی رعایت شده است. چون اصل کتاب معرفی منابع تاریخی است، غالب منابع معرفی شده از نظر علمی دارای اعتبار و اهمیت تاریخی هستند و همین آثار بیشترین منابع کتاب حاضر را تشکیل داده‌اند. از پژوهش‌های جدید نیز تا حدودی استفاده شده هر چند کافی نیست. در استنادات و ارجاعات دقت خوبی به کار رفته اگرچه اشکالاتی را نیز به همراه دارد. در آغاز هر فصل، اهداف یادگیری آن بیان شده و در پایان فصل تعدادی پرسش طرح شده است. از جنبه رعایت امانت، در مجموع با ذکر مآخذ مطالب، این امر صورت گرفته است. بی طرفی علمی در کتاب رعایت شده است. کتاب در راستای اهداف خود، در بُعد شناخت و معرفی منابع به خوبی از عهده برآمده است اما در مبحث نقد منابع دارای ضعف است. کتاب از نظر ارائه منابع گوناگون مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی براساس تقسیم‌بندی موجود در آن با چینی‌سازی مناسب، اثری ارزنده است اما با وجود نوشته‌های مشابه، نمی‌توان آن را اثری کاملاً بدیع و ابتکاری خواند. با این وجود، ادبیات نوشتاری به کار گرفته شده در متن، انسجام نثر در کل کتاب و آگاهی‌های افزون‌تر نسبت به سایر نوشته‌ها در باب منابع، این اثر را روزآمدتر نموده است. محتوای علمی و پژوهشی اثر با هدف آن، که شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام است، هماهنگ بوده و این هدف را برآورده است.

۴-۲. کاستی‌ها

۴-۲-۱. نقد درون‌ساختاری (میزان انسجام درونی اثر)

- به‌رغم وجود کلمه «نقد» در عنوان کتاب، محتوای آن بیشتر به همان شناخت و معرفی منابع پرداخته و نقد جزئی منابع یا به صورت کلی هر دوره تاریخی غالباً مغفول مانده است. شیوه بررسی دکتر پروین ترکمنی‌آذر در کتاب *تاریخ‌نگاری در ایران* (۱۳۹۲)، که در این اثر به آن اشاره‌ای نشده است، می‌تواند الگویی برای نقد منابع معرفی شده باشد.

- بهتر بود در پیش‌گفتار با عنوان‌گذاری مباحث مربوط به اهداف کتاب: اهداف کلی، جزئی، آموزشی- کاربردی، شیوه پژوهش و تنظیم اثر، ضرورت و اهمیت، پیشینه و نقد و معرفی آثار مشابه، ویژگی‌های متمایز این اثر، تعریف اصطلاحات تخصصی کتاب، شیوه مورخان گذشته در نگارش آثار تاریخی و غیره، این موارد به روشنی بحث می‌شد. هر چند در مجموع پنج صفحه پیش‌گفتار، در برخی از این موارد اشاراتی شده اما چون فاقد عنوان است توجه خواننده را به پیش‌گفتار جلب نمی‌کند.

- کتاب هیچ عنوان فرعی ندارد. در هر فصل همه مطالب ذیل عنوان اصلی مطرح شده است. در حالی که در هر فصل به تناسب می‌توان عناوین فرعی چون: تاریخ سلسله‌ای، تاریخ عمومی، تاریخ محلی، منشآت، منابع جغرافیایی، سفرنامه‌ها، آثار گمشده، منابع اداری، تذکره‌ها، آثار ادبی، متون دینی و از این قبیل قرار داد که موجب تنوع و عدم خستگی خواننده از مطالعه گردد.

- از اصطلاحات تخصصی در کتاب تعریفی ارائه نشده است نظیر: منبع، مأخذ، پژوهش، تفاوت منبع و پژوهش، تاریخ سلسله‌ای، تاریخ عمومی، تاریخ محلی، منابع جغرافیایی، منابع سفرنامه‌ای، منشآت، اشکال و انواع هر کدام، ویژگی این منابع، اهداف و جایگاه آنها، رویکردهای تاریخ‌نگاری مورخان ایرانی و ...

- به روشنی مشخص نیست که در هر دوره تاریخی، آثاری که در همان زمان پدید آمده مورد نظر نویسنده است یا منابع دوره‌های بعد که درباره دوره‌های پیشین نیز مطلبی آورده است باید ذکر شوند. بر مبنای روش موجود در کتاب، دیدگاه دوم به کار رفته است، یعنی شیوه نویسنده در معرفی منابع هر دوره چنین است که افزون بر منابع تاریخی آن دوره، منابع سده‌های بعد را نیز که به دوره‌های پیش از خود اشاره‌ای هر چند کوتاه دارند، معرفی کرده است. در نتیجه برخی از منابع (که درباره آن دوره است نه خاص آن دوره) بارها در کتاب تکرار شده و هر بار توضیحاتی اجمالی درباره آنها

آمده است. از این رو، آگاهی‌های یک اثر در فصول مختلف پراکنده شده است. از سویی، خواننده در تفکیک منابع اصلی هر دوره با منابعی از دوره‌های بعد که درباره آن دوره است دچار سردرگمی می‌شود و به درستی نمی‌داند منابع اصلی هر دوره در اشکال مختلف آن کدام است. در حالی که در آثار مشابه که از آنان یاد شد در هر دوره تاریخی، منابع اصلی همان دوره ذکر شده و این انسجام در ذهن خواننده برقرار می‌شود. برای نمونه؛ کامل ابن اثیر که در زمره منابع عصر مغول است در فصول پیشین از طاهریان و صفاریان تا مغول بارها به عنوان منبع این دوره‌ها نیز مطرح و هر بار اشاره‌ای اجمالی به آن شده است (ص ۸، ۳۴، ۳۹، ۵۱، ۶۲، ۶۵، ۷۰، ۷۵)، یا کتاب گمشده تجارب‌المشارق ابن فندق (ص ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۵۲، ۶۲، ۶۵، ۶۶)، منتظم ابن جوزی (ص ۸، ۳۴، ۳۹، ۵۱، ۶۶)، تاریخ طبرستان ابن اسفندیار (ص ۱۴، ۲۷، ۴۱، ۵۴، ۶۷)، زین‌الخبار (ص ۱۰، ۲۵، ۳۳، ۳۸)، تاریخ بخارا (ص ۱۲، ۲۶، ۵۴، ۶۶)، مجمل‌التواریخ و القصص (ص ۱۰، ۲۵، ۳۴، ۳۹) و سایر منابع به همین نحو.

- در فصول کتاب به منابع هر دوره پرداخته شده اما درباره ساختار ابواب و محتویات منابع بحثی نشده است. بدین معنا که مخاطب با نام تعدادی از منابع در هر دوره آشنا می‌شود اما با سبک تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری مورخان و هر دوره تاریخی آشنایی پیدا نمی‌کند چون در این باره مطلبی طرح نشده است.

- به لحاظ مشابهت فصول، اهداف تعیین شده هر فصل تقریباً با دوره‌های دیگر مشابه است و این فرمول برای همه فصل‌ها مطرح شده است.

- کتاب فاقد جمع‌بندی و نتیجه‌گیری جزئی و معرفی منابع برای مطالعه بیشتر و پیشنهاد پژوهش در آخر هر فصل و نیز فاقد نتیجه‌گیری کلی و پیشنهادها، در آخر کتاب است. نیز هیچ نوع جدول، نمودار، نقشه و تصویر ندارد.

- هیچ کدام از دوره‌های تاریخی که عنوان فصل‌های کتاب است تاریخ ندارند و مخاطب با محدوده زمانی این دوره‌ها آشنایی نمی‌یابد. بهتر بود که تاریخ آغاز و فرجام هر سلسله در پرانتز در کنار عناوین فصل‌ها ذکر می‌شد.

- محدوده مکانی سلسله‌های مختلف که در متن آمده‌اند مشخص نشده‌اند و مخاطب نمی‌داند که این سلسله‌ها در چه محدوده جغرافیایی حکمروایی داشته‌اند. چنانکه محدوده زمانی آنها نیز مشخص نشده است.

- هیچ توضیح اجمالی درباره سلسله‌ها در آغاز هر فصل نیامده است و به آگاهی تاریخی مخاطبان واگذار شده است. شاید برای اهل تاریخ چندان ضروری نباشد، اما برای غیر اهل تاریخ چندان آگاهی در این زمینه به دست نمی‌دهد.

- گاه با اینکه در هر دوره، منابع به تفکیک مطرح و توضیح داده شده اما پیش از آن یک‌جا فهرست شده‌اند که نیازی به این تکرار نیست، برای نمونه در ص ۱۲.

- با اینکه چند واحد درسی رشته تاریخ مربوط به دوره پهلوی است، نویسنده درباره نپرداختن به این دوره توضیحی نداده است و تاریخ ایران بعد از اسلام را به قاجاریه پایان داده است.

- با اینکه منابع هر دوره از نظر تنوع غیر از منابع مکتوب، شامل منابع مادی (آثار باستانی)، مسکوکات، اشیاء و موزه‌ها، کتیبه‌ها و آثار ترسیم‌ی و غیره می‌باشد که تکیه نویسنده در این کتاب تنها بر آثار نوشتاری بوده، اما در دوره قاجاریه به مطبوعات (روزنامه‌ها، مجلات، شب‌نامه‌ها، سالنامه‌ها، اسناد بین‌المللی و...) که در این زمره قرار می‌گیرند اشاره‌ای نکرده است. به موضوع آرشیو و مجموعه اسناد آرشیوی مراکز گوناگون، نیز به آرشیوهای سمعی و بصری درباره حوادث این دوره شامل مذاکرات مجلس و غیره نپرداخته است.

- با اینکه در کتاب منابع تاریخ ایران در دوران اسلامی تألیف دکتر غلامرضا وره‌رام، نظام حکومت ایران در دوران اسلامی از صدر اسلام تا عصر مغول تألیف دکتر مریم میراحمدی، نظام حکومت ایران در دوران اسلامی از عصر مغول تا پایان قاجاریه تألیف دکتر غلامرضا وره‌رام، تاریخ‌نگاری در ایران نوشته اشپولر و دیگران، به همین شیوه منابع هر دوره تاریخی ذکر شده، در کتاب حاضر اشاره‌ای به این پژوهش‌ها نشده و نوآوری کتاب در همین دوره‌بندی تاریخی ذکر شده است. بهتر بود در بخشی از کتاب، به پیشینه موضوع به حد کفایت پرداخته می‌شد و این نوع نوشته‌ها مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفتند و تفاوت و تمایز اثر فعلی با آنها به طور آشکار بیان می‌شد. این شیوه به خوبی در کتاب دکتر ترکمنی آذر رعایت شده است. وی پیشینه‌ای تفصیلی شامل کتاب-های تحقیقی، مقالات، مقالاتی با موضوع علم تاریخ، مقالاتی با موضوع تاریخ‌نگاری اسلامی، مقالاتی با موضوع تاریخ‌نگاری ایرانیان، آورده که حاوی نکات مفیدی است. (ترکمنی آذر، ۱۳۹۲: ۱۹-۸) درباره علم تاریخ، تاریخ‌نگاری در اسلام و ایران، نقد و بررسی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری مورخان مسلمان، شناخت منابع و مآخذ تاریخی، مجموعه مقالات، کتاب‌ها، و مقالات فراوانی انتشار یافته است که نام بردن از همه آنها

به فهرست طویلی می‌انجامد. نویسنده توانای کتاب حاضر، کم‌تر به این نوع نوشته‌ها توجه نموده و بیشتر به معرفی آثار و محتوای اجمالی آنها با بررسی شخصی بسنده شده است.

- نمونه سؤالات همه فصول تماماً حفظی و توصیفی طرح شده‌اند و سؤال تحلیلی و تفهیمی برای افزایش قدرت تفکر و خلاقیت دانشجویان طرح نگردیده است. هیچ سؤالی که قدرت نقد دانشجو را تقویت کند طرح نشده است.

- در هیچ فصلی، فعالیت پژوهشی، انجام یک نقد درباره منابع یا مقایسه منابع، از دانشجویان خواسته نشده است. بنابراین فعالیت عملی دانشجو در درس نادیده گرفته شده است.

- هیچ کدام از عناوین آثار سیاحان خارجی (سفرنامه‌ها) معادل لاتینی آنها قید نشده است و بهتر بود که این معادل‌گذاری برای تلفظ صحیح اسامی ذکر می‌شد.

- پژوهش‌های جدید معرفی شده در هر فصل، هیچ کدام مشخصات کتاب‌شناختی تفصیلی و حتی جزئی (که ذکر سال چاپ است) ندارند. از سویی، فهرست این پژوهش‌ها در هر دوره به اختصار و گاه ناقص آمده و هیچ کدام کامل نیستند. در حالی که از منابع بهتری می‌شد نام برد.

- در برخی فصول، زمان نگارش کتاب‌های معرفی شده ذکر نشده است. برای نمونه؛ فصل خوارزمشاهیان و فصل مغولان، شاید به دلیل اینکه بیشتر این کتاب‌ها در فصول پیشین برای دوره‌های دیگر معرفی شده‌اند. بنابراین در مجموع کتاب، بسیاری از منابع معرفی شده فاقد تاریخ و زمان پدید آمدن است.

- بسیاری از کتاب‌ها که عنوان عربی و ترکیبی دارند معانی آنها ذکر نشده که بهتر بود برای آگاهی دانشجویان این کار صورت می‌گرفت. مواردی چون: معجم البلدان، تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار، لباب الالباب، روضات الجنات، عرایس الخواطر، ابکار الافکار، التوسل الی الترسل، سمط العلی للحضرة العلیا، تجارب الامم و تعاقب الهمم، مشارب التجارب و غوارب الغرایب، نسائم الاسحار من لطائم الاخبار، نفثه المصدر فی فتور زمان الصدور و صدور زمان الفتور، راحه الصدور و آیه السرور، زبده النصره و نخبه العصر، فضایل الانام، اغراض السیاسة فی اغراض الریاسة، عتبه الکتبه، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، تجارب السلف، مرآه الزمان فی تاریخ الاعیان، مسامره الاخبار و مسایره الاخبار، عقد العلی للموقف الاعلی، العراضه فی الحکایه السلجوقیه، زین الاخبار، نصره الفتره و عصره الفطره، المنتظم، زبده التواریخ، زبده النصره و نخبه

العصره، وفيات الاعيان في انباء ابناء الزمان، مناقب الشعراء، مرآه الجنان و عبره اليقضان، يتيمه الدهر في محاسن اهل العصر، روضه الصفا، حبيب السير، ارشاد الاريب الى معرفه الاديب، السياق، سوانح الافكار، مرآه الزمان، مروج الذهب و معادن الجوهر، مطلع سعدين و مجمع بحرین، احسن التقاسيم في معرفه الاقاليم، الاعلاق النفيسه، المسالك و الممالك، الاخبار الطوال، عيون الاخبار، مختصر الدول، تحفه النظار في غريب الامصار و الاسفار، روضه اولی الالباب في معرفه التواريخ و الانساب، اربع الوس، شجره الاتراك، معز الانساب، ملفوظات، تزوكات، عجایب المقدور في نواب تيمور، منتخب التواريخ، مجمل التواريخ، سمریه و...

- در میان منشآت و نوشته‌های اداری سده هشتم از کتاب، *دستورالکتاب فی تعیین المراتب* تألیف محمد بن هندوشاه نخجوانی (ج ۱ و ۲)، به سعی و اهتمام و تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده، مسکو، فرهنگستان علوم جمهوری شوروی، انستیتوی خاورشناسی، ۱۹۶۴، ۱۹۶۷ ذکر می‌شود که به میان نیآورده است.

- در ص ۱۸ و ۱۹ در میان آثار جغرافیایی از *اشکال‌العالم* یاد نکرده است. در ص ۲۰، از زین‌العابدین شیروانی فقط کتاب *بستان‌السیاحه* را ذکر کرده در حالی که وی دو کتاب دیگر نیز دارد که به آنها اشاره نشده است با این مشخصات: *ریاض‌السیاحه* تصحیح اصغر حامد ربانی، تهران، انتشارات سعدی، ۱۳۳۹. *حدائق‌السیاحه*، تهران، سازمان چاپ و دانشگاه، ۱۳۴۸.

- از نسخه‌های خطی کمتر نام برده شده است.

- در هر فصل برخی از منابع فقط به ذکر عنوان و مؤلف آنها در متن بسنده شده و در ارجاع، مشخصات کتابشناختی آنها آمده است. بهتر بود برای پرهیز از تکرار، همان مشخصات کتابشناختی برای این نوع منابع در ادامه متن می‌آمد.

- در ص ۷ سطر ۲ اشاره شده کتاب *اخبارالزمان* مسعودی از میان رفته و بدست ما نرسیده در حالی که نسخه‌ای چاپی از این اثر (احتمالاً بخشی از آن) منتشر شده و موجود است: علی بن حسین مسعودی، *اخبارالزمان*، ترجمه کریم زمانی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۰.

- ص ۱۶ عنوان کتاب چاپ شده ابن خردادبه «*المسالك و الممالك*» است که در سطر آخر این صفحه و ارجاع شماره ۱ ص ۱۷، *مسالك و ممالك* آمده است.

- کتاب *مرآه‌الزمان* سبط ابن جوزی در صفحات ۳۲، ۳۴، ۵۲ به عنوان منبع ذکر شده اما مشخصات کتابشناختی آن ذکر نشده است.

- در ص ۸۲-۸۳ در ذکر منابع تاریخ محلی از کتاب دفتر دلگشا در احوال ملوک شبانکاره تألیف سده ۸ ق. اشاره ای نشده است. صاحب شبانکاره ای، دفتر دلگشا (در احوال ملوک شبانکاره)، مسکو، فرهنگستان علوم جمهوری تاجیکستان، شعبه خاورشناسی و آثار ادبی، ۱۹۶۵. چاپ جدید آن: همان، تصحیح و بررسی غلامحسین مهربانی و پروانه کیانی، شیراز، آوند اندیشه: بنیاد فارس شناسی، ۱۳۸۹.

- در دوره تیموریان به کتاب مهم جغرافیای حافظ ابرو اشاره نشده است.

- در ص ۱۰۱ سطر ۱۸، عنوان کتاب عبدالرزاق سمرقندی، مطلع السعدین و مجمع البحرین نادرست است و به صورت مطلع سعدین و مجمع بحرین درست است.

- در مبحث سفرنامه های اروپاییان عصر صفویه به کتاب مشهور رافائل دومان اشاره نکرده است.

Pere Raphael Du Mans, *L'Etat de la Perse en 1660*, ed. Ch. Schefer, Paris, 1880.

- ص ۱۰۳ از کتاب فتوحات همایون سیاقی نظام (نظام الدین علی شیرازی) چاپ جدیدی به تصحیح حسن زندیه (قم)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اصفهان، قطب علمی مطالعات فرهنگ و تمدن شیعه در عصر صفویه، ۱۳۹۳) منتشر شده است.

- در دوره صفویه از کتاب بدایع الاخبار (وقایع بهبهان در زمان حمله محمود افغان)، تألیف میرزا عبدالنبی شیخ الاسلام بهبهانی، مقدمه، تصحیح و توضیحات: سعید میر محمدصادق، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۹ و نیز شرفنامه (مکاتبات دیوانی ایالت فارس و لارستان در دوره صفویه)، روح الله لاری شیرازی، تصحیح و تحقیق: محمدباقر وثوقی با همکاری خدیجه عالمی و منوچهر ایزدینا، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ یاد نشده است.

- در ص ۱۵۶، از کتاب آثار جعفری چاپ جدیدی منتشر شده است با این مشخصات: محمدجعفر خورموجی، آثار جعفری، تصحیح احمد شعبانی، شیراز، بنیاد فارس شناسی، ۱۳۸۰.

- در ص ۱۵۶، در معرفی تاریخ های محلی فارس، کتاب آثارالرضا (در تاریخ و جغرافیای شیراز و کازرون)، صدرالسادات سلامی کازرونی، پژوهش زهرا خوشبویی و موسی مطهری زاده، تهران، کازرونیه، ۱۳۸۱، اشاره نشده است.

- در ص ۱۵۷ از تاریخ بوشهر اثر شیخ محمدحسین سعادت که بدون مشخصات کتاب شناختی آمده چاپی جدید منتشر شده است: محمدحسین سعادت کازرونی، تاریخ

بوشهر، تصحیح و تحقیق عبدالرسول خیراندیش، عمادالدین شیخ‌الحکمایی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب: کازرونیه، ۱۳۹۰.

- در ص ۱۶۴ سفرنامه جیمز موریه به فارسی ترجمه شده است با این مشخصات: موریه، جیمز جاستی، سفرنامه جیمز موریه، سفر یکم از راه ایران، ارمنستان و آسیای کوچک به قسطنطنیه، ۱۸۰۹-۱۸۰۸ م.، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۸۶.

- در ص ۱۷۱ سفرنامه عبدالفتاح گرمودی به سفرنامه ممسنی نیز معروف است و چاپ شده است: میرزا فتاح خان گرمودی، سفرنامه ممسنی، به کوشش فتح‌الدین فتاحی، چاپ دوم، تهران، مستوفی، ۱۳۷۰.

- در ص ۱۷۱، از سفرنامه‌های دوره محمدشاه قاجار، دو سفرنامه از جنوب ایران در سال‌های ۱۲۵۶-۱۳۰۷ ق. (تصحیح و اهتمام علی آل داوود، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸) نیز قابل ذکر است که در کتاب نیامده است.

- بسیاری از منابع هر دوره فقط از آنان نام برده شده، به اشاره و گذرا اکتفا شده است و توضیح و تفصیلی درباره آنها نیامده است. در واقع بسیاری جاها به همین اندازه که «می‌تواند اطلاعاتی در اختیار قرار دهد» در معرفی اثر کفایت شده و مشخص نشده که چه اطلاعاتی و در چه حوزه‌هایی؟ سیاسی، اقتصادی و... و چه مقدار؟ در اختیار قرار می‌دهند.

- در بسیاری از موارد در معرفی منابع از عبارات: آگاهی‌های گران‌قیمتی، اطلاعات گرانقدری، ارزشمندی، سودمندی، مفیدی، ذی‌قیمتی، گرانسنگی به دست داده، استفاده و یا منبعی گرانسنگ، ارزشمند، بسیار ارزشمند و به همین عبارات بسنده شده و اطلاعات دیگری مطرح نشده است. ضمن اینکه نگارش این عبارات دو جزئی یکسان نیست. گاهی از هم جدا و گاهی سرهم آمده است: اهمیت شایانی (فراوانی، بسیار): ص ۴-۱۵-۷۰-۹۲-۱۶۶-۱۶۸-۱۷۱، اهمیتی خاص: ص ۸۳، ارزشمند: ص ۲-۱۲-۲۲-۶۸-۸۳-۸۸-۹۲-۱۰۹-۱۱۵-۱۱۶-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۵-۱۲۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۱-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۷۰، اثر ارزنده: ص ۱۰۳، گرانقدر: ص ۵-۸-۱۷-۱۸-۳۹-۶۳-۶۵-۶۷-۸۱-۸۲-۱۱۹-۱۶۰-۱۶۷، کتابی ارجمند: ص ۱۰۹، کتابی مهم: ص ۱۰۸-۱۲۲-۱۶۶-۱۷۳، اطلاعات گران‌قیمتی: ص ۷-۶۳-۱۰۶، گرانبها: ص ۱۱۰-۱۱۹، ارزش فراوانی: ۸۹، مفید: ص ۸-۴۰-۴۳-۶۸-۹۱-۱۲۲-۱۵۰-۱۵۲-۱۵۷-۱۶۶-۱۶۷، قابل اعتنا: ص ۱۱-۹۲-۱۰۵، گزارش‌هایی گرانبها: ص ۸۱-۱۰۲،

آگاهی‌های گرانبهایی: ص ۱۲-۷۱-۷۴-۱۱۷، اطلاعات گرانبهایی: ص ۷۹-۸۹-۱۶۷، گرانسنگ: ص ۱۳-۲۰-۶۲-۷۶-۹۲-۱۲۶-۱۵۷، گزارش‌های گرانسنگی: ص ۱۳-۱۷، آگاهی‌های سودمندی: ص ۱۵-۱۶-۷۸-۱۵۲-۱۶۴، گزارش‌های سودمندی: ص ۱۶-۲۷-۳۵-۶۴-۱۱۸، آگاهی‌های ارزشمندی: ص ۱۹-۴۱، آگاهی‌های گسترده: ص ۲۰، اطلاعات ارزشمندی: ۲۶، مطالبی ارزشمند: ۳۴، سودمند: ص ۳۴-۳۵-۵۱-۵۷-۶۸-۹۱-۹۳-۱۰۶-۱۱۴-۱۲۰-۱۲۳-۱۲۴-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۴-۱۳۵-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۱-۱۶۵-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۶، منبعی ارزشمند: ص ۳۹-۶۷، اطلاعات مفیدی: ص ۳۹-۵۳-۱۵۰، اشارات مفید: ص ۴۰، گزارش‌های ارزنده‌ای: ص ۴۱، اطلاعات سودمندی: ص ۴۱-۱۲۳، پژوهش‌های سودمندی: ص ۱۷۶، منبع سودمندی: ص ۴۲-۴۳-۵۸-۱۲۴-۱۲۵-۱۶۳، مطالب سودمند: ص ۵۵، گزارش‌های مفیدی: ص ۶۴-۶۶-۱۶۰-۱۶۴، گزارش‌هایی دقیق: ص ۱۱۱-۱۶۵، گزارش پرمایه: ص ۱۱۷، گزارشی سودمند: ص ۱۳۴-۱۵۰-۱۶۵.

در کتابنامه پایانی با اینکه فهرست نسخه‌های خطی و مقالات جداگانه آمده اما سایر منابع و مآخذ تفکیک نشده و همه یک‌جا ذیل عنوان: کتابنامه، فهرست شده‌اند. در حالی که کتابنامه شامل سایر عناوین فرعی هم می‌شود و اینجا می‌بایست با شماره گذاری یا حروف ابجد، تقسیم‌بندی صورت می‌گرفت و کتابنامه عنوان کلی می‌شد. بهتر بود که کتابنامه برحسب منابع تاریخی، سفرنامه‌ها، پژوهش‌های جدید، مقالات و ... دسته‌بندی می‌شد.

- بهتر بود از این کتاب‌ها نیز در جای خود یاد می‌شد: سفرنامه ابودلف در ایران سده ۴ق. (چاپ ۱۳۵۴)، سفرنامه ناصر خسرو سده ۵ق. (۱۳۶۷)، عجایب‌نامه (عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات) محمد بن محمود همدانی سده ۶ق. (۱۳۶۷)، جهان‌نامه محمد بن نجیب بکران سده ۷ق. (۱۳۴۳)، برگزیده مشترک یاقوت حموی (۱۳۶۲)، مراصدالاطلاع صفی‌الدین عبدالؤمن البغدادی سده ۸ق. (۱۳۷۴-۱۳۷۳ق.)، نخبه‌الدهر فی عجایب البر و البحر تألیف شمس‌الدین محمد بن ابی‌طالب انصاری دمشقی سده ۸ق. (۱۳۸۲)، تقویم‌البلدان ابوالفداء سده ۸ق. (۱۳۴۹)، شیرازنامه زرکوب شیرازی سده ۸ق. (۱۳۵۰ و چاپ جدید ۱۳۸۹)، هفت کشور یا صورالاقالیم مجهول- المؤلف سده ۸ق. (۱۳۵۳)، شدالازار فی حط الاوزار عن زوار المزار جنید شیرازی (۱۳۲۸)، تذکره هزار مزار ترجمه شدالازار (مزارات شیراز) سده ۸ق. (۱۳۶۴)،

مآثر الملوک بانضمام خلاصه الاخبار و قانون‌نامه همایونی از غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی خواندمیر سده ۱۰ ق. (۱۳۷۲)، خلاصه البلدان (در جغرافیای قم) از صفی‌الدین محمد بن محمد هاشم حسینی قمی سده ۱۱ ق. (۱۳۹۶ ق.)، تذکره دلگشا از علی‌اکبر نواب شیرازی «بسمل» سده ۱۳ ق. (۱۳۷۱)، مرآت الاحوال جهان‌نما تألیف آقا احمد بن محمد علی بهبهانی سده ۱۳ ق. (۱۳۷۰)، سفرنامه مکه مهدی‌قلی هدایت (منبر السلطنه) سده ۱۴ ق. (۱۳۶۸)، سفرنامه سدید السلطنه «التدقیق فی سیر الطریق» محمد علی خان سدید السلطنه مینابی بندر عباسی سده ۱۴ ق. (۱۳۶۲)، سفرنامه اصفهان میرزا غلامحسین افضل‌الملک سده ۱۴ ق. (۱۳۸۰)، سرگذشت مسعودی نوشته مسعود میرزا ظل‌السلطان (۱۳۶۸)، گزارش ایران (قاجاریه و مشروطیت) از رضاقلی خان هدایت (منبر السلطنه) (۱۳۶۳).

- پاره‌ای اغلاط نگارشی در متن وجود دارد که فهرست آنها در جدول زیر آمده است:

شماره صفحه	سطر	ارجاع	نگارش نادرست	نگارش درست
۴		۲	ینوری	دینوری
۶	۱۶		نگار شکارهای	نگارش کارهای
۶	۲۲		حمزه	حمزه
۶		۲	ابولقاسم	ابوالقاسم
۷		۱	ابولحسن	ابوالحسن
۷		۲	ابولقاسم	ابوالقاسم
۸	۱۵		الاممابن جوزی	الامم ابن جوزی
۹		۱	ابولقاسم	ابوالقاسم
۹		۴	مؤسسه	مؤسسه
۱۰	۱۰		(۴۴۱-۴۴۴ ق.)	(۴۴۱-۴۴۴ ق.)
۱۱	۱۹		پدید آمد	پدید آمدن
۱۱	۲۱		در پیامد	در پیامد
۱۳	۷		موضوعات	موضوعات
۱۳	۱۳		مسلمانان	مسلمان
۱۵	۱۴		آنها را	آنها را
۱۷		۱	خرداد به	خرداد به
۱۸	۷		صورت الارض	صورت الارض
۱۸		۴	مولفان	مؤلفان
۱۹		۴	جوزجان	جوزجانان

شماره صفحه	سطر	ارجاع	نگارش نادرست	نگارش درست
۲۴	۴		برآمده‌ی	برآمده‌ای
۲۸		۴	به نشر	به‌نشر
۲۶		۳	تاریخ بخار	تاریخ بخارا
۳۱	۵		جدید مرتبط	جدید مرتبط
۳۲	۲		که به وسیله	به وسیله
۳۳	۲۰		سلسله‌های	سلسله‌های
۳۵	۱۳		امروزی	امروزی
۳۶	۱۴		تاریخ سامانیان	تاریخ آل‌بویه
۴۱	۱۵		وزاء	وزراء
۴۲	۱۵		دوران‌های	دوره‌های، دوران
۴۳	۲		باخزری	باخزری
۵۱		۳	بتصحیح	به تصحیح
۵۲	۱۰		مراه الزمان	مراه الزمان
۵۳	۲		قوم‌الدین	قوم‌الدین
۵۶	۴		وطواط	وطواط
۶۲	۲		در ازای	درازای
۶۷		۵	نهجریان	نه در جریان
۶۹		۳	دور	دوره
۷۴	۸		غالب	قالب
۷۵	۲۲		خود گزارش	خود گزارش
۷۸	۱۲		روی داده‌ای	روی داده‌ای
۷۸	۳		آگاهی‌هایی	آگاهی‌هایی
۷۹		۲	نوانی	نوایی
۸۱	۲۳		استو	است و
۸۲	۱۲		فضل‌اله	فضل‌الله
۸۲	۱۲		وقفیه	وقفیه
۸۷	۱۳		در بار	دربار
۸۷	۱۵		در بار	دربار
۸۷	۱۹		باز تاب	بازتاب
۸۷	۱۹		در باری	درباری
۸۹	۱۹		بر خوردار	برخوردار
۸۹		۱	عزیزاله	عزیزالله
۹۰	۴		و صاف	وصاف

شماره صفحه	سطر	ارجاع	نگارش نادرست	نگارش درست
۹۰	۱۰		بر خوردار	برخوردار
۹۱	۱۲		مدینه هرات	مدینه هرات
۹۱		۱	العقيلي	عقيلي
۹۱		۱	آثار الوزاء	آثار الوزراء
۹۲		۴	داران	دارن
۹۸	۱۳		تاريخها	تاريخ‌های
۹۹	۹		گمانمي رود	گمان می‌رود
۱۰۲	۲۱		ديوانسالارني	ديوانسالار
۱۰۴		۱	تارخ	تاريخ
۱۰۴		۲	تارخ	تاريخ
۱۰۸		۱	بيرسیاقی	دبير سياقی
۱۱۱	۱۸		گزارشائي	گزارش‌هایی
۱۱۲	۱۷		ادوارد زولارنس	ادواردز و لارنس
۱۱۳	۱۹		روبرت	رابرت
۱۱۳	۱۵		جنگ‌ها بود	جنگ‌ها بود
۱۱۴	۵		داسیلوا	د سیلوا
۱۱۵	۱۸		این درباره	در این باره
۱۱۵	۲۳		یک ا	یک‌جا
۱۱۵		۱	اولثا ریوس (۲بار)	اولثاریوس
۱۱۵		۱	کرد بچه	کرد بچه
۱۱۵		۲	تاورینه (۲بار)	تاورینه
۱۱۷	۱۶		آگاهی‌هائي	آگاهی‌هایی
۱۱۷		۲	تادوزیو داکروسینکی	تادوزیودا کروسینسکی
۱۱۸	۸		گزارش‌هائي	گزارش‌هایی
۱۱۸	۱۲		رادر	را در
۱۱۹	۴		موسسه	مؤسسه
۱۲۲	۱۵		آگاهی‌هائي	آگاهی‌هایی
۱۲۲	۱۶		صفویهاست	صفویه است
۱۲۳		۱	موسسه	مؤسسه
۱۲۳		۴	بازیری	پاریزی
۱۲۴	۳		مجالس المومنین	مجالس المؤمنین
۱۲۷	۲۳		هانسروبرت	هانس روبرت
۱۳۰	۵		مجمع‌التواریخ	مجمع‌التواریخ سلطانیه

شماره صفحه	سطر	ارجاع	نگارش نادرست	نگارش درست
۱۳۲	۱۳		مولفی	مؤلفی
۱۳۵	۱		بازیس گیری	بازیس گیری
۱۳۸		۱	باهتمام	به اهتمام
۱۴۰	۲۰		دیر باز	دیرباز
۱۴۱	۱۴		ریاضی دان	ریاضی دان
۱۴۱	۱۷		ایراناست	ایران است
۱۴۱		۱	رستگاری	رستگار
۱۴۲		۱	کارستننیبور	کارستن نیبور
۱۴۳		۳	سفرنامه هانک	سفرنامه ها ن.ک.
۱۴۵	۱۵		روزنامه نگاری	روزنامه نگاری
۱۴۷	۱۶		فتعلی	فتحعلی
۱۴۸	۱۴		فتحعلیشاه	فتحعلی شاه
۱۵۰	۵		گزارش هائی	گزارش هایی
۱۵۳	۱۸		ناصر الدین	ناصرالدین
۱۵۵	۵		هر این کتاب چند	هر چند این کتاب
۱۵۶	۱۶		جغرافیا	جغرافیای
۱۵۶	۱۱		فسانی	فسایی
۱۵۷		۳	تصحیح	تصحیح
۱۵۹		۱	محدرضا	محمدرضا
۱۵۹		۲	موسسه	مؤسسه
۱۶۱		۱	دارلسلطنه	دارالسلطنه
۱۶۲		۲	تاکید	تأکید
۱۶۴	۸		درویل	دروویل
۱۶۴	۱۰		گزارشویلیام	گزارش ویلیام
۱۶۴	۱۷		آگاهی هائی	آگاهی هایی
۱۶۴	۱۷		سومندبه دست	سومندبه دست
۱۶۴		۴	تره زل	ترهزل
۱۶۵	۲۰		ماموریت های	مأموریت های
۱۶۶	۱۳		ترکستانو	ترکستان و
۱۶۷		۲	کرد بچه	کردبچه
۱۶۷	۱۰		ایارن	ایران
۱۶۸		۷	میزرا	میرزا
۱۶۹	۱۴		غنائی	غنائی

شماره صفحه	سطر	ارجاع	نگارش نادرست	نگارش درست
۱۷۰	۱		بی مانند	بی مانند
۱۷۰	۷		ترقی خواهی	ترقی خواهی
۱۷۱	۱		آگاهی بخشی	آگاهی بخشی
۱۷۲	۳		سفر دوم	سفر سوم
۱۷۳	۲۰		کارگزاران	کارگزاران
۱۷۴		۳	چاپدگیری	چاپ دیگری
۱۷۵	۳۳		عزیزاله	عزیزالله
۱۷۹	۱۴		ابولقاسم	ابوالقاسم
۱۸۱	۲		محدرضا	محمدرضا
۱۸۲	۳۲		خدا پرست	خداپرست
۱۸۳	۱۳		تاورینه (۲بار)	تاورینه
۱۸۳	۲۵		یادداشت‌ها	یادداشت‌های
۱۸۵	۹		رستگاری	رستگار
۱۹۰	۳۱		موسسه	مؤسسه
۱۹۲	۳۶		دبیر سیانی	دبیرسیافی
۱۹۳	۹		پازیری	پاریزی
۱۹۳	۱۵		موسسه	مؤسسه
۱۹۳	۱۷		مولفان	مؤلفان
۱۹۳	۲۶		تارخ	تاریخ
۱۹۳	۲۸		تارخ	تاریخ
۱۹۴	۵		موسویو	موسوی و
۱۹۴	۲۲		روزنام	روزنامه
۱۹۳	۷		ابولحسن	ابوالحسن
۱۹۶	۲۸		موسسه	مؤسسه

۴-۲-۲. نقد برون‌ساختاری

۴-۲-۲-۱. بررسی میزان سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های مفروض اثر

محتوای اثر با آنچه در عنوان و فهرست‌های هر فصل آمده، مطابقت دارد. در هر دوره تاریخی که براساس هدف کتاب بنا بوده منابع آن دوره را در اشکال موجود آن معرفی نماید، این روند به خوبی انجام شده است. طبیعی است که تنوع این منابع در هر دوره

اندکی با دوره دیگر تفاوت دارد. برخی منابع مانند تاریخ سلسله‌های، تاریخ عمومی و تاریخ محلی غالباً برای همه دوره‌ها یکسان، اما برخی از انواع منابع نظیر فتوح، اسناد، منشآت و غیره، متفاوت است و لزوماً همه دوره‌ها همه این نوع منابع را ندارند. در مجموع، محتوا و موضوع این اثر در جنبه شناخت و معرفی منابع دوره‌های مختلف تاریخ ایران بعد از اسلام، با اهداف درس «شناخت و نقد منابع تاریخ ایران بعد از اسلام» تناسب دارد و حجم کتاب با این دو واحد درسی و نیز با سرفصل آن تناسب دارد، هر چند در برنامه معمول رشته تاریخ دانشگاه‌ها به دلیل اختیاری بودن این درس، سرفصل مشخصی برای آن تعریف نشده است.

۴-۲-۲. بررسی میزان سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی

محتوای کتاب با مبانی دینی و اسلامی مغایرتی ندارد و از آنجا که شناخت و معرفی منابع تاریخی است در شناخت بخشی از فرهنگ و تمدن اسلامی که تاریخ و تاریخ‌نگاری است، مدد می‌رساند. معرفی تعداد بسیاری از مورخان اسلامی-ایرانی، معرفی انبوهی از کتاب‌های تاریخی در اشکال متنوع تاریخ‌نگاری، بیان ویژگی‌های برخی از این آثار، به آشکار شدن گوشه‌ای از فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی کمک می‌کند و اینکه چگونه مسلمین و به‌ویژه ایرانیان در خلق آثار علمی و نگارش کتاب موفق عمل نموده و با همین آثار، هم حوادث گذشته تاریخ خویش را ثبت و ضبط کرده و به نسل‌های پس از خود منتقل کرده‌اند و هم کتابخانه‌های مراکز علمی اسلامی را رونق بخشیده‌اند. در یک نگاه کلی، رویکرد اثر نسبت به فرهنگ اسلامی مثبت است و از این جهت که گوشه‌ای از حیات علمی و تمدنی ایران اسلامی را نمایانده است، بخشی از نیاز علمی جامعه اسلامی امروز را در بُعد تاریخ برآورده کرده است.

۵. نتیجه‌گیری

در مجموع، این کتاب به شرحی که آمد دارای امتیازات برجسته و کاستی‌هایی فرو کاهنده است. اما با ویژگی‌های یک کتاب درسی در زمینه آشنایی دانشجویان تاریخ با منابع تاریخی ایران بعد از اسلام، کتاب ارزشمندی است و هیچ کدام از مواردی که در کاستی‌های کتاب چه شکلی و چه محتوایی مطرح گردید از ارزش آن نمی‌کاهد. زیرا محدودیت زمانی یک نیمسال تحصیلی، استانداردهای یک کتاب درسی به‌ویژه از نظر حجم مطالب، محدودیت‌هایی را برای نویسنده ایجاد می‌کند که نتواند به طور گسترده

به مباحث مقدماتی و یا بررسی و نقد محتوایی تمامی منابع تاریخی در یک کتاب درسی بپردازد. از این رو، ویژگی‌های مثبت کتاب، امتیاز لازم را به آن داده است که برای درس دو واحدی «شناخت و نقد منابع تاریخ ایران بعد از اسلام»، یک منبع درسی باشد. بسیاری از کاستی‌های مطرح شده جنبه فنی و ویراستاری دارد که بر عهده نویسنده نیست بلکه بر عهده مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی انتشارات دانشگاه پیام نور است.

۶. پیشنهادهای کاربردی

- برای هرچه بهتر شدن کتاب در چاپ‌های بعدی، چند پیشنهاد به شرح زیر ارائه می‌شود:
- در پایان هر فصل جدولی از منابع مختلف آن دوره به تفکیک نوع منابع تهیه و در آخر کتاب نیز در جدولی مقایسه‌ای، فراوانی منابع هر دوره نسبت به دوره دیگر مشخص گردد.
- نقشه هر دوره تاریخی که اساس فصول کتاب شده، تهیه گردد و در آغاز هر فصل گنجانیده شود.
- مطالب هر فصل متناسب با عناوین فرعی تنظیم گردد.
- در هر فصل منابعی برای مطالعه بیشتر دانشجویان معرفی گردد.
- در آخر هر فصل انجام فعالیت پژوهشی برای دانشجویان به‌ویژه نقد و بررسی یکی از همان منابع معرفی شده، پیشنهاد شود.
- منابع و مآخذ دوره پهلوی نیز به کتاب افزوده شود.
- نمایه مناسبی برای کتاب (حداقل اسامی و امکانه) تهیه گردد.
- اغلاط نگارشی کتاب برطرف و اشکالات فنی که در این مقاله درباره این اثر مطرح شد، اصلاح گردند.

کتاب‌نامه

- آرام، محمدباقر (۱۳۸۶). اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، تهران: امیرکبیر.
- اشپولر، برتولد و دیگران (۱۳۶۰ و ۱۳۸۸ چاپ دوم). تاریخ‌نگاری در ایران، ترجمه و تألیف یعقوب آژند، تهران: گستره.

نقدی بر کتاب «شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام» ۷۵

- آینه‌وند، صادق (۱۳۷۷). *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، ج ۱ و ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۸۱). «سهم ایرانیان در تاریخ‌نگاری دوره اسلامی پیش از حمله مغول»، در: *حضور ایرانیان در جهان اسلام*، احسان یارشاطر و دیگران، ویراسته ریچارد هوانسیان و جورج صباغ، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۳۲۴-۳۰۱.
- بیات، عزیزالله (۱۳۶۳). *شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران (ج ۱) از آغاز تا سلسله صفویه*، تهران: امیرکبیر.
- بیات، عزیزالله (۱۳۷۴). *شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران (ج ۲) از آغاز سلسله صفویه تا مشروطیت*، تهران: امیرکبیر.
- ترکمنی‌آذر، پروین (۱۳۹۲). *تاریخ‌نگاری در ایران (از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۰). *تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ*، شیراز: نوید شیراز.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۷). *منابع و مآخذ تاریخ صفویه*، شیراز: میتراس: دهش.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۲). «تأملی بر جایگاه و مؤلفه‌های تاریخ‌نویسی محلی در عصر صفویه»، *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان، ۲۹-۵.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۲). «نگرشی بر سنت تاریخ‌نویسی در ایران باستان»، *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری*، سال ۲۳، دوره جدید، شماره ۱۱، بهار و تابستان، ۸۸-۵۹.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۳). «بررسی جایگاه و اهمیت سنت تاریخ‌نویسی محلی ایرانی»، *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۴)، بهار و تابستان، ۴۰-۵.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۴). «ادبیات تراجم‌نگاری در متون تاریخی عصر صفویه»، *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال هشتم، شماره اول (پیاپی ۲۷)، بهار، ۷۸-۵۵.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۶). *منابع تاریخ اسلام*، قم: انصاریان.
- جعفری دهقی، محمود (۱۳۸۲). *بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان: از ورود آریایی‌ها تا سقوط امپراتوری ساسانی*، تهران: سمت.
- جمعی از مؤلفان (۱۳۷۸). *نقد و بررسی منابع سیره نبوی*، زیر نظر رسول جعفریان، تهران: سمت.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۲). *دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، قم: بوستان کتاب.
- خضر، عبدالعظیم عبدالرحمن (۱۳۸۹). *مسلمانان و نگارش تاریخ: پژوهشی در تاریخ‌نگاری اسلامی*، ترجمه صادق عبادی، تهران: سمت.
- رابینسن، چیس اف، (۱۳۸۹). *تاریخ‌نگاری اسلامی*، ترجمه مصطفی سبحانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

- رجایی، عبدالمهدی، چلونگر، محمدعلی، نورایی، مرتضی (۱۳۹۰). «تاریخ‌نگاری محلی عصر قاجار و مؤلفه‌های آن»، *مطالعات اسلامی، تاریخ و فرهنگ*، سال چهل و سوم، شماره پیاپی ۸۶/۴، بهار و تابستان، ۲۹-۵۲.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۴). *درآمدی بر تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- روزنتال، فرانتس (۱۳۶۶ و ۱۳۶۸). *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، بخش ۱ و ۲، چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳). *تاریخ ایران بعد از اسلام*، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- زینلی، بهمن (۱۳۹۱). نقد و بررسی تاریخ‌نگاری محلی ایران از سقوط بغداد تا پایان صفویه، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه اصفهان.
- سجادی، صادق؛ عالم‌زاده، هادی (۱۳۷۵). *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران: سمت.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۱). *جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری‌ها در ایران معاصر*، قم: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
- صادقی، مقصودعلی (۱۳۹۳). *شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- صالحی، نصرالله (۱۳۸۰). «کتاب‌شناسی توصیفی تاریخ‌های محلی»، *کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا*، سال چهارم، شماره ۴۵-۴۴، خرداد و تیر، ۴۷-۱۲.
- صدقی، ناصر (۱۳۹۳). *تاریخ‌نگاری در ایران عصر سلجوقی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۲-۱۳۵۱). *تاریخ ادبیات در ایران*، مجلدات، تهران: ابن‌سینا.
- فصیحی، سیمین (۱۳۷۲). *جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی*، مشهد: نوند.
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۸۸). «تاریخ‌نگاری محلی کردستان و ظهور نخستین تاریخ‌نگار زن در ایران»، *پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان*، سال ۴۵، دوره جدید، شماره اول، ۱۲۸-۱۱۳.
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۳). *تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- قنات، عبدالرحیم (۱۳۸۷). نقد و بررسی تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی تا سده هفتم، پایان‌نامه دکتری، گرایش تاریخ اسلام، دانشگاه اصفهان.
- قنات، عبدالرحیم (۱۳۹۳). *تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی (تا سده هفتم هجری)*، تهران: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کاهن، کلود (۱۳۷۰). *درآمدی بر تاریخ اسلام در قرون وسطی*، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

نقدی بر کتاب «شناخت و نقد منابع و مأخذ تاریخ ایران بعد از اسلام» ۷۷

کوبین، شعله. ای. (۱۳۸۷). تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی، ترجمه منصور صفت‌گل، تهران: دانشگاه تهران.

گیب، ه.آ.ر. و دیگران (۱۳۶۱). تاریخ‌نگاری در اسلام (مجموعه مقالات)، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: گستره.

مصطفی، شاکر (۱۹۸۳ م.). تاریخ العربی و المورخون، الطبعه الثالثه، بیروت: دارالعالم للملایین.

موسوی، حسن (۱۳۸۰). شناخت و نقد منابع تاریخ ایران باستان، شیراز: دانشگاه شیراز.
میثمی، جولی اسکات (۱۳۹۱). تاریخ‌نگاری فارسی: سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، ترجمه محمد دهقانی، تهران: ماهی.

میراحمدی، مریم (۱۳۶۸). نظام حکومت ایران در دوران اسلامی از صدر اسلام تا عصر مغول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

میراحمدی، مریم (۱۳۶۹). کتاب‌شناسی تاریخ ایران در دوران باستان، تهران: امیرکبیر.

ناجی، محمدرضا و دیگران (۱۳۷۹). تاریخ و تاریخ‌نگاری، تهران: کتاب مرجع.

ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۸). نظام حکومت ایران در دوران اسلامی از عصر مغول تا پایان قاجاریه، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ورهرام، غلامرضا (۱۳۷۱). منابع تاریخ ایران در دوران اسلامی، تهران: امیرکبیر.

ویدنگرن، گ. (۱۳۸۱). «منابع تاریخ پارتی و ساسانی»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ج ۳ قسمت دوم، احسان یارشاطر و دیگران، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.